



درس تفسیر سوره مبارکه مؤمنون - جلسه ۱۳

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿...ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٧﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَحِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورٍ سَيِّئًا تَنْبِتُ بِالذَّهْنِ وَصَيِّغٍ لِللَّائِكِينَ ﴿٢٠﴾

اثبات ربوبیت خدا بر اساس نظام حکیمانه عالم خلقت

چون سوره مبارکه «مؤمنون» در مکه نازل شد و مطالب محوری سور مکی اصول دین و خطوط کلی فقه و حقوق و اخلاق است بعد از بیان بخشی از این خطوط کلی فقه و حقوق و اخلاق به خلقت انسان و جهان پرداختند که از راه نظم پی به خالق ببریم (يك) و از خالقیت پی به ربوبیت ببریم (دو)، اگر ثابت شد يك نظم حکیمانه در عالم هست وجود ناظم حکیم هم ثابت خواهد شد و اگر ثابت شد که در جهان، خلقت است نه طبیعت، خالق ثابت می شود و چون ربوبیت بدون خلقت نیست و هیچ ربی نمی تواند غیر خالق باشد پس همان موجود حکیم عالم ناظم که خالق است همان باید رب باشد و اگر او رب عالم است (يك) رب انسان است (دو) رب پیوند انسان و عالم است

(سه) باید او را پرستید و از او اطاعت کرد (چهار). این است که بعد از گذشت این ادوار نه‌گانه فرمود خدا ﴿أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ﴾ است.

### بیان دفع شبهه اثبات خلقت برای غیر خدا در قرآن

در بحث‌های قبل روشن شد که گاهی قرآن کریم خلقت را، عزّت را، شفاعت را، قدرت را، رزق را، حفظ را، فصل را، حکم را به غیر خدا اسناد می‌دهد می‌فرماید: ﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾<sup>۱</sup> یا خدا ﴿خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾<sup>۲</sup> است، ﴿خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾<sup>۳</sup> است، ﴿خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾<sup>۴</sup> است ﴿أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ﴾ است. قرآن برهان اقامه می‌کند که غیر خالق نمی‌تواند ربّ باشد فرمود: ﴿أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ﴾<sup>۵</sup> اگر برهان بر بطلان ربوبیت‌ها این است که آنها خالق نیستند اگر قرآن می‌گوید غیر خدا هم افرادی هستند که خالق باشند پس اگر آن افرادی که خالق بودند معبود کسی شدند دلیلی بر بطلان آن عبادت نیست زیرا قرآن بنایش بر این است که غیر خالق نمی‌تواند مربوب باشد ﴿أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ﴾ در حالی که قرآن خلقت را به غیر خدا اسناد می‌دهد. پاسخ این بود که گرچه در بخشی از آیات، این اوصاف به غیر خدا اسناد داده شد اما در آیات دیگر که حاکم بر این آیات است ثابت می‌شود که این خلقت بالاصاله و بالذات برای خداست اگر غیر خدا متّصف به خلقت شدند به اذن خداست به مظهریت خداست و اعجاز خداست، لذا در جمع‌بندی نهایی این آیه می‌شود حاکم که ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾<sup>۶</sup> پس «لا خالق إلا الله» آن‌گاه آن برهان درست می‌شود که ﴿أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ﴾ پس «لا خالق إلا الله» همان

۱. سوره یوسف، آیه ۶۴.

۲. سوره مائده، آیه ۱۱۴.

۳. سوره انعام، آیه ۵۷.

۴. سوره اعراف، آیه ۸۷.

۵. سوره نحل، آیه ۱۷.

۶. سوره رعد، آیه ۱۶؛ سوره زمر، آیه ۶۲.

طوری که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «لَا خَالِقَ إِلَّا اللَّهُ» و اگر خدا ﴿خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ است در بخش پایانی سوره «ذاریات» فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾<sup>۷</sup> این ﴿هُوَ﴾ که ضمیر فصل است با معرفه بودن خبر مفید حصر است یعنی غیر خدا رازقی نیست پس «لا رازق إلا الله، لا عزیز إلا الله، لا حافظ إلا الله، لا حکم الا الله» که دارد ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾<sup>۸</sup> اگر انبیا و اولیا حکمی دارند بیانگر حکم الهی اند و اگر عزّت و حفظی دارند مظهر عزیز و حفیظ خدای سبحان اند پس این سخن درست است که «لا خالق إلا الله» اصل کلی ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ حاکم است آن وقت ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ معنای خودش را پیدا می‌کند. بعد فرمود این بین راه است یعنی دنیا پایان راه نیست مرگ آخر خط نیست بعد از مرگ برزخ است و بعد از برزخ هم جریان قیامت منتها جریان برزخ را در همین سوره مبارکه «مؤمنون» در آیات بعد دارد که ﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾<sup>۹</sup> و در سوره مبارکه «عبس» هم که در بحث دیروز اشاره شد فرمود: ﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ﴾<sup>۱۰</sup> که قبر همان عالم برزخ است این مربوط به خلقت انسان.

### قرآن ارائه دهنده روش علمی در انسان‌شناسی

نکته بعدی آن است که ما نباید بگوییم که قرآن کتاب هدایت کلامی است ما را می‌خواهد به دین هدایت کند به عقیده هدایت کند کاری به علم ندارد. درست است که محور اصلی و هدف مهم قرآن، دعوت به دین است و هدایت به دین است اما دعوت به علم را هم در کنارش دارد ما هرگز نباید بگوییم قرآن کاری به علم ندارد فقط دعوت

۷. سوره ذاریات، آیه ۵۸.

۸. سوره انعام، آیه ۵۷؛ سوره یوسف، آیات ۴۰ و ۶۷.

۹. سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰.

۱۰. سوره عبس، آیه ۲۱.

دینی دارد خب چطور ﴿مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾<sup>۱۱</sup> را حوزه علمیه می گیرد فقها و اصولیین می گیرند بحث های فراوانی می کنند می خواهند برائت نقلی را از این در بیاورند عده ای نقد می کنند کما هو الحق، همان يك جمله كه حوزه علمیه نجف و قم بحث می شود، می شود علمی اما این همه مراحل دقیقی كه در انسان شناسی ذكر کرده اینها هدف قرآن نیست پس اگر جامعه ای به سمت انسان شناسی برود كه چگونه نطفه می شود علقه، چگونه علقه می شود مضغه، چگونه مضغه می شود عظام، چگونه عظام جامه گوشتی در برمی كند همه اینها می شود علم اسلامی منتها اینها باید بدانند كه عقل چراغی است كه خدا داده عقل، حجّت شرعی است، با گفته زراره و حُمران فرق نمی كند عقل در مقابل وحی نیست ولی عقل در مقابل نقل است هیچ ممكن نیست كسی دانشمندی چه مربوط به شناخت عمق دریا باشد چه مربوط به شناخت اوج سپهر باشد يك مطلب عقلی را بفهمد [و بر او ثابت شود و آن حجّت شرعی نباشد] نه فرضیه باشد فرضیه كه علم نیست اگر علم باشد ثابت شده باشد به دو دوتا چهارتا رسیده باشد نظری به بدیهی ختم شده باشد این می شود حجّت شرعی، هرگز نمی تواند بگوید كه من خودم فهمیدم می خواهم برابر این علم عمل كنم این علم حجّت شرعی است اگر حدیث زراره بر مطلبی اقامه شده انسان نمی تواند خلافتش عمل كند اگر علم دانشگاهی هم به جایی رسیده می شود حجّت شرعی مگر می شود بر خلاف علم عمل كرد اگر بر خلاف حدیث زراره كسی عمل كند جهنّم است، بر خلاف دانش دانشگاهی عمل كند جهنّم است، پس می شود حجّت شرعی. چه كسی عقل را داد؟ خدا، چه كسی به عقل علم آموخت؟ خدا، معلوم را چه كسی خلق كرد؟ خدا، رهبری عقل و معلوم را چه كسی دستور داد؟ خدا، آن وقت ما علم غیر اسلامی هم ممكن است داشته باشیم؟ فرض ندارد. خب

پس انسان‌شناسی این طور است درباره زمین‌شناسی هم همین طور است درباره باد و باران‌شناسی و هواشناسی هم همین طور است.

### طریق علمی آسمان‌شناسی براساس قرآن

حالا بعد از این می‌فرماید شما جریان سپهر را هم که ملاحظه کنید او هم همین طور است ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ﴾ آسمان‌ها هفت تاست نه ستاره‌ها، نه ستاره‌های ثابت هفت تاست یا سیارات هفت تاست آسمان هفت تاست و اینها طریق‌اند راه‌اند نه آن مدار بسته بطلمیوسی. فرمود آسمان‌ها هفت تاست نه ستاره‌های سیار هفت تاست هستند سخنش درباره کواکب نیست آنها می‌گفتند که تمام این ستاره‌ها ثابت و سیار اینها جایشان مشخص است قمر و عطارد و زهره و شمس و مریخ و مشتری و زحل به حساب پیشینیان هفت آسمان را اشغال کردند این ثوابت در آسمان هشتم‌اند و فلك‌الافلاك که فلك‌اطلس نام دارد بی‌ستاره است اما بیان قرآن این است که همه اینها در آسمان اول‌اند ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ﴾<sup>۱۲</sup> بعد فرمود خیلی از چیزهاست که شما هنوز نمی‌بینید ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ \* وَمَا لَا تُبْصِرُونَ﴾<sup>۱۳</sup> بنابراین آسمان‌شناسی مثل زمین‌شناسی علمی است اسلامی نه اینکه حالا چون در نجف بحث شده یا قم بحث شده می‌شود اسلامی ولی اگر دانشگاه بحث کند اسلامی نیست. این جمله ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ﴾ را که حوزه بحث می‌کند می‌شود اسلامی، ﴿ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ را اگر جای دیگر بحث کنند اسلامی نمی‌شود.

۱۲. سوره ملك، آیه ۵.

۱۳. سوره حاقه، آیات ۳۸ و ۳۹.

## هدف نهایی قرآن در تبیین کیهان‌شناسی

پرسش...

پاسخ: بله خب اما آن هدف نهایی است اگر اینها علمِ اسلامی باشد به همان هدف می‌کشاند هدف اصلی این است که انسان، موحد باشد و هدف اصلی این است که با تدبّر در آیات با آگاهی به نظم پی ببریم (اولاً) با ناظم آشنا بشویم (ثانیاً) نظم را به خلقت مرتبط کنیم (ثالثاً) ربوبیت را در مدار خلقت دور بدهیم (رابعاً) خود را مخلوق و مربوط او بدانیم (خامساً) و تربیت ما در سایه دین‌داری ماست (سادساً) و او را پرستیم (سابعاً). چطور می‌شود که این همه بحث‌های دقیق را قرآن مطرح می‌کند بعد بگوییم قرآن کاری به انسان‌شناسی ندارد کاری به هواشناسی ندارد خب چندین برابر استصحاب و برائت را درباره هواشناسی گفته که کجا ما باد می‌فرستیم، کجا ابر را تولید می‌کنند کجا ابرها را تلقیح می‌کنیم نکاح ابرها می‌شود کجا و چه موقع ابر باردار می‌شوند آن ابرِ مادر کدام است آن ابرِ پدر کدام است هنگام زایمان، ما برای آن ابرِ مادر رَحِم درست می‌کنیم که شلنگی نبارد غربالی بیارد خب همه اینها را گفته حالا اگر در دانشکده هواشناسی این آیه را مطرح کردند و براهین عقلی را ضمیمه کردند این می‌شود علم غیر اسلامی یا می‌شود طبیعی یا می‌شود سکولار؟! اگر جهان‌بینی ما الهی شد فرض ندارد که ما علمی داشته باشیم که دینی نباشد نعم، اگر کسی ملحد شد مبدأ و معاد را منکر شد قرآن را - معاذ الله - فسون و فسانه پنداشت بله ما علم دینی نخواهیم داشت می‌شود سکولار.

## تدبیر خداوند در کنترل و هدایت آب‌ها و منابع زمینی

فرمود: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ﴾ بعد فرمود: ﴿وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾ این طور نیست که ما تفویض کرده باشیم خلق کرده باشیم خلق را رها کرده باشیم ما قدم به قدم به فکر آسمان و زمین و بین الارض و

السماء هستیم قدم به قدم به فکر شما و دآمداری شما و کشاورزی شما همه اینها را ما داریم روزانه تأمین می‌کنیم ﴿وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾ چرا غافل نیستیم؟ برای اینکه قطرات باران را حساب شده می‌فرستیم راه‌های ورودی این زمین را هم دستور می‌دهیم دهن باز کند این ذخیره‌ها را در خود فرو ببرد در زیر زمین يك ترافیک منظم حساب شده قائلیم که کجا دو راه باشد کجا سه راه باشد کجا چهار راه باشد کجا ورود ممنوع باشد کجا آب بایستد کجا آب برود ﴿فَسَلَكُوهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ﴾ در سوره مبارکه «زمر» فرمود، فرمود ما این آب‌ها را که فرستادیم با اندازه می‌فرستیم به زمین دستور می‌دهیم اینها را در سطح مشخص که در دسترس مردم باشد با قنات و چاه بتوانند به آن دسترسی پیدا کنند ببرد خیلی پایین نبرد و کجا سه راه باشد کجا چهار راه باشد کدام طرف برود کدام طرف نرود. در سوره مبارکه «زمر» فرمود این راهنمایی آب‌های زیر زمین به دستور ماست که ﴿فَسَلَكُوهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ﴾ آیه ۲۱ سوره مبارکه «زمر» این است ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكُوهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ﴾ «يَنْبِيع» یعنی چشمه، اینها را ذخیره‌سازی کرده در چشمه‌ها نگه داشته اما مَسَلَك‌های اینها را مشخص کرده در چه سطحی اینها بروند جاسازی کنند بشوند چشمه مشخص کرده ﴿ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زُرْعًا﴾ به وسیله همین بارانی که ذخیره شده کشاورزیهایتان باغداری‌هایتان را تأمین می‌کند ﴿مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ﴾ بعد هم پاییز می‌رسد و حکم پاییز را خواهد داشت ولی فرمود اگر بیراهه بروید ممکن است ما به همین زمین دستور بدهیم قدری این آب‌ها را پایین‌تر ببرد در بخش پایانی سوره مبارکه «مُلْك» دارد ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾<sup>۱۴</sup> حالا اگر سه، چهار کیلومتر این آب‌ها را پایین ببرد یا این نفت و گاز را چهل پنجاه کیلومتر پایین‌تر ببرد که در دسترس صنعت نباشد خب جز فقر و فلاکت چیز دیگر در مملکت نیست دیگر. نفت را جای معین قرار می‌دهد گاز را جای معین

قرار می‌دهد آب را جای معین قرار داده که در دسترس قرار بگیرد یا سنتی یا صنعتی. فرمود بیراهه رفتید یا باران نمی‌آید یا اگر باران آمد به زمین دستور می‌دهیم این را قدری پایین‌تر ببرد.

### بیان روش استخراج منابع زیرزمینی در قرآن و روایت

اگر در آیه **﴿وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا﴾**<sup>۱۵</sup> فرمود اگر اینها به‌راه بودند مؤمن بودند معتدل بودند اهل تعدی نبودند به فقرا رسیدند ما باران مناسب می‌فرستیم خب **﴿مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾**<sup>۱۶</sup> فرمود: **﴿وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا﴾** باران می‌فرستیم بستر زمین را آماده می‌کنیم اگر به زمین دستور دادیم که يك مقدار این را فرو ببرد اجازه نمی‌دهیم که زیاد فرو ببرد باید در دسترس قرار بگیرد که **﴿يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا﴾** اما اگر بیراهه رفتید ما دستور می‌دهیم این زمین سه، چهار کیلومتر پایین‌تر ببرد خب کل این منطقه می‌شود لم يُزرع و فلاکت‌بار **﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا﴾** «غائر» یعنی فرو رفته، اگر دو سه کیلومتر این آب‌ها فروتر برود یا هشت ده کیلومتر این گاز و نفت پایین‌تر برود که در دسترس صنعت نباشد جز فقر و فلاکت چیز دیگر دامنگیر این مملکت نخواهد بود مگر کسی - معاذ الله - الهی نیندیشد هم‌هش را بر اساس اتفاق و مثلاً طبیعت تلقی کند ولی اگر قرآن است حرفش این است خب این به عنوان تمثیل است تعیین که نیست شامل نفت هم می‌شود شامل گاز هم می‌شود شامل معادن دیگر هم می‌شود فرمود ما اینها را در دسترس شما قرار دادیم که بهره ببرید منتها برای اینکه رشد علمی هم داشته باشید گفتیم **﴿فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا﴾**<sup>۱۷</sup> تدبّر کنید، تحقیق کنید، بررسی کنید. این روایت را که مرحوم کلینی (رضوان الله علیه) نقل کرده قبلاً به عرضتان رسید که کسی از شاگردان امام صادق (سلام الله علیه) در

۱۵. سوره جن، آیه ۱۶.

۱۶. سوره نساء، آیه ۱۲۲.

۱۷. سوره ملك، آیه ۱۵.



محضر حضرت از بازار مس گرها رد می شدند به حضرت عرض کرد این مس چیست؟ فرمود اینها اگر به موقع می رفتند این نقره بود حالا مدتی گذشت به صورت مس در آمده<sup>۱</sup> کدام خاك می شود مس کدام خاك می شود نقره را را از این روایت می شود فهمید همان طوری که از «لا تنقض الیقین»<sup>۲</sup> وحدت قضیتین و استصحاب در شك در مقتضی را می شود فهمید اینها مگر در روایات هست همه اینها را عقل از روایت در آورده و می شود حجت خب این گونه از روایات که حضرت فرمود اگر اینها دیر نجنبند مواظب باشند به جای اینکه مس گیرشان بیاید نقره گیرشان می آید خب اینها هم همان روایات است دیگر ما نباید بگوییم دین آمده که ما را فقط به نماز و روزه دعوت کند دین آمده ما را به فهم دعوت کند ملت بفهم همیشه سرفراز است البته دینش را هم حفظ می کند

### جامعیت دین در اداره تمام ملل

ملت عاقل نه ستم می کند نه می شود او را فریب داد. چرا وجود مبارك امام صادق فرمود می خواهی بروی شهر یا ده، ببین يك عالم محقق بزرگواری آنجا هست یا نیست و گرنه نرو،<sup>۳</sup> اگر در سرزمینی محققان فکری نباشند جا برای برای فسون و فسانه فراوان است همه این نحل در برابر ملل در آمده دیگر هر وقت ملتی بود، دینی بود، نحله ای که منحول است یعنی مجعول درست شده آمار نحل کمتر از ملل نیست هر وقت ملت بود نحلتی هم هست ما نباید علم را از دین جدا کنیم دین آمده علم را تقویت کند و جامعه را عالم کند جامعه عالم قهراً به طرف ربوبیت حرکت می کند فرمود: ﴿وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾ چرا غفلت نداریم؟ برای اینکه ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ اما تمام این قطرات حساب شده است ﴿بِقَدَرٍ﴾ بی اندازه نیست منتها حالا شما به جای اینکه به دنبال علم بروید، بیکارید يك وقت

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۰۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۴۵.

۳. ر.ک: تحف العقول، ص ۳۲۱.

سیل می‌آید چند هزار نفر را می‌برد شما آه می‌کشید خب در زمان عادی باید به فکر سد باشید فرمود تمام این قطرات حساب شده است منتها شما باید ذخیره کنید.

### رسالت انسان در حفظ و بهره‌گیری از ذخایر ملی

در سوره مبارکه «حجر» فرمود همه اینها اندازه گرفته شده است آیه ۲۱ سوره مبارکه «حجر» این بود ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ پس همه قطرات حساب شده است ذات اقدس الهی وقتی يك عده از سلاطین را مذمت می‌کند که ﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا﴾<sup>۱</sup> خودش - معاذ الله - این کار را می‌کند که قراء و قصبات را به ویرانی بکشد یا [این ویرانی قراء و قصبات] برای این است که اینها بیراهه رفتند و حق عده‌ای را رعایت نکردند؟ بنابراین ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ اما ﴿بِقَدَرٍ﴾ به اندازه، قدرش هم در سوره مبارکه «حجر» مشخص کرد. بعد فرمود ما این را نگذاشتیم برود دریا اینها را ذخیره کردیم جاسازی کردیم ﴿فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ﴾ اما ﴿وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ﴾ اگر خواستیم این را از بین ببریم می‌توانیم این همان است که در بخش پایانی سوره مبارکه «ملك» آمده ﴿أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ یکی از القاب وجود مبارك حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) ماء معین است به تبع آن حضرت همین لقب را به عالمان ربّانی دادند آبی که يك جا بایستد آب معین نیست آبی که جریان دارد «تناله الأیدی والدلاء» هر رهگذری می‌تواند او را ببیند از او بهره ببرد با دلو از او استفاده کند به آن می‌گویند آب معین اگر جاری نباشد در برکه‌ای باشد آب معین نیست فیض علم همین طور است فیض اصلی برای وجود مبارك ولی عصر است همین طور است. فرمود ما اگر يك وقت بخواهیم می‌توانیم آنها را ببریم پایین اگر پایین‌تر ببریم دیگر در دسترس شما نیست.

خب حالا که پایین نبردیم نزدیک سطح زمین قرار دادیم با این آب چه کار کنیم ﴿فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهِ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ \* وَشَجَرَةً ﴿سه قسم از میوه‌ها را ذکر کرده برای اینکه این سه قسم، میوه رایج آن منطقه بود نه اینکه اختصاص داشته باشد به این، از خرما و انگور و زیتون نام برد اما این معنایش این نیست که قرآن - معاذ الله - گفته رسول خدا (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) است خدای سبحان فرمود: ﴿وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ خیلی از چیزهاست که شما نمی‌دانید حالا ما مثلاً بگوییم گلابی شما که در اینجاها نمی‌بینید که فرمود: ﴿وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ اینها به عنوان نمونه است میوه‌های دیگر هم هست که شما به آن دسترسی ندارید فعلاً. خب، فرمود با این آب، خرما و انگور که میوه‌های فراوانی در این درخت‌ها هست برای شما می‌رویانیم که از آنها استفاده می‌کنید و درختی که در طور سَینا رشد می‌کند که همان زیتون است که ﴿تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ﴾ اگر این «باء»، «باء» تعدیه باشد یعنی روغن خارج می‌کند دُهْن نمی‌رویانند ولی از آن روغن گرفته می‌شود و صِبْغ هم یعنی خورش فرمود همه اینها را ما داریم انجام می‌دهیم برای شما. اگر کسی از این نظم پی به ناظم ببرد می‌گوید من هم مخلوق خدایم مرا هم خدا باید بیروراند پرورش انسان به علم است و عمل صالح چه چیزی بیاموزم با خودم چگونه رابطه داشته باشم با جهان چگونه رابطه داشته باشم برای آینده چه چیزی تهیه کنم، اگر مرگ، آخر خط نیست مرگ يك امر وجودی است مرگ يك هجرت است و سفر جدید و حیات ابد از آنجا شروع می‌شود من در حیات ابد چه باید بکنم؟ اینها انسان را راهنمایی می‌کند که برای بعد از مرگ چه چیزی تهیه کند که قبل از مرگ هم کارایی داشته باشد و از آن بهره ببرد.

## بیان قرآن در معرفی راه‌های آسمان و زمین

لذا در بخش‌هایی از سوره مبارکه «زمر» این آیات را ذکر کرده در سوره مبارکه «طلاق» آن بخش‌های پایانی که در اینجا فرمود: ﴿سَبْعَ طَرَائِقَ﴾ را تشریح کرده فرمود ما هفت آسمان که راه است برای شما قرار دادیم ما خیال می‌کنیم راه فقط همین است که انسان یا دام تردد کنند در بخش پایانی سوره مبارکه «طلاق» یعنی آیه دوازده فرمود: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ﴾ گرچه در قرآن کریم ارضین سبع نیامده اما در این آیه دوازده سوره «طلاق» دارد که زمین هم مثل آسمان است یعنی طبقات هفت‌گانه دارد. بعد فرمود: ﴿يَنْزِلُ الْأَمْرُ بِبَيْنَهُنَّ﴾ دستور الهی از این وسط‌ها می‌آید فرشته‌ها رفت و آمد می‌کنند اینکه در ليله قدر فرشته‌ها می‌آیند امر را مقدرات را تقدیم وجود مبارك ولی عصر می‌کنند و برمی‌گردند اینکه فرشته‌هایی که حافظ اعمال ما هستند شاهد اعمال ما هستند يك عدّه شاهد اعمال شب‌اند يك عدّه شاهد اعمال روزند مرتب می‌آیند و می‌روند پس این آسمان می‌شود طرائق اما راه منحصر در راه مادی نیست که انسان با پا طی کند بالأخره فرشته‌ها موجودی‌اند ولو ما درست و تفصیلاً اینها را درك نکنیم همان طوری که يك عدّه به این فکرند که چگونه يك بذر، يك حبّه یا يك ثواب، يك هسته یا يك حبّه می‌شود درخت یا خوشه يك عدّه هم به این فکرند که با فرشته‌ها مأنوس باشند چگونه ملائکه می‌آیند چگونه می‌روند چگونه حرف می‌زنند.

## استفاده معنوی اولیای خدا از ساعات شب و روز

وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) اصحاب خاصی داشت که آنها را تربیت می‌کرد که آنها هم در روز شاگرد حضرت بودند در بیداری و هم در شب در خواب، شاگرد حضرت بودند. اینها این چند ساعتی که

می خوابیدند برای آنها کلاس درس بود حضرت روز که می شد از اینها سؤال می کرد که «هل من مبشرات»<sup>۱</sup> دیشب چه دیدید؟ خب اینها نه آن قدر می خوردند که روی سنگینی بخوابند به موقع می خوابیدند به موقع بیدار می شدند سحرخیز بودند آن قدر غذا نمی خوردند که روی فشار و سنگینی بخوابند حضرت می فرمود: «هل من مبشرات» این را مرحوم کلینی در جلد هشت کافی نقل کرد بعضی ها که رؤیای خاصی دیده بودند به عرض حضرت می رساندند. ما فقط روزها کارهایمان را به هم گره می زنیم بحث دیروز را با بحث امروز گره می زنیم اما آن که از اصحاب سحر است هم بحث های روز را به هم گره می زند هم رؤیاهای شب را. ما همین طور صاف شب را هدر می دهیم این معنای اتلاف عمر است اتلاف عمر که دیگر حقیقت شرعیه نمی خواهد همین است دیگر کسی ده ساعت را هفت ساعت را صاف هدر بدهد، اگر کسی روزها را گره زد و شب ها را هم گره زد می شود عالم ربّانی هر دو مدرسه است منتها روز برای رفع حاجت، شب برای رسیدن به جاهای بالاتر. اینها شبهایشان هم گره خورده است که دیشب چه دیدند امشب چه می بینند فردا شب چه می خواهند ببینند

### ارزیابی معانی ظاهری و باطنی آیه ﴿سَبْعَ طَرَائِقَ﴾

خب اینها می توانند ﴿سَبْعَ طَرَائِقَ﴾ را که در آیه محلّ بحث است خوب ارزیابی کنند مفاد آیه دوازده سوره «طلاق» را که دارد ﴿يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾ خوب تلقی کنند فرمود: «لصافحتکم الملائكة»<sup>۲</sup> این را که به امام و امامزاده نگفت تا شما بگویید که مخصوص حضرت امیر و اهل بیت است آنها يك مقام برتری دارند این را حضرت به همین اصحاب خاصّ خودش گفته ، پس معلوم می شود افراد عادی هم می توانند به اینجاها برسند حالا آن که

۱. الکافی، ج ۸، ص ۹۰.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۲۴.

می گوید «فَلَا تَأْتُوا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ»<sup>۱</sup> آن دیگر اولین و آخرین نتوانستند چنین حرفی بزنند کسی توقع هم ندارد به آنجا برسد بنابراین این ﴿سَبْعَ طَرَائِقَ﴾ را می شود فهمید ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ﴾ بعد فرمود در طرائق چه کسی رفت و آمد می کند چه کسانی می آیند چه کسانی می روند ﴿يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾ اینکه فرشته ها رفت و آمد می کنند هر روز می روند يك عده تازه می آیند همین طرائق است دیگر، پس این برای يك عده خاصی مقدور است البته برای صاحبان علوم تجربی هم راه دارد که آنها هم راه های خودشان را طی کنند، بنابراین ﴿سَبْعَ طَرَائِقَ﴾ می تواند هم طریق ظاهر باشد هم طریقت باطن.

«و الحمد لله رب العالمین»